

بررسی تأثیر عوامل دخیل در درک معنای استعارات و سنجش اعتبار روان‌شناختی آنها

لیلا عرفانیان قونسولی^۱

دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی بینالود مشهد

شهلا شریفی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

(از ص ۷۷ تا ص ۹۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۸/۳

چکیده

تحقیق حاضر، طرحی آزمایشی تصادفی است که در آن، به بررسی فرضیه برجستگی تدریجی^۲ پرداخته شده است تا بررسی شود عامل مهم در دسترسی به معنا چیست. در فرضیه برجستگی تدریجی اعتقاد بر این است که در فرایند درک، ابتدا معنایی فعال می‌شود که برجسته‌تر است یعنی آشناتر، پرسامدتر، نمونه اولیه‌تر و متداول‌تر است و بافت نمی‌تواند مانع فعال شدن این معنا شود. هدف از انجام تحقیق این است که مشخص شود آیا فرضیه برجستگی تدریجی در نمونه‌های استعاره مورد بررسی در زبان فارسی صدق می‌کند یا خیر. روش: محققان برای هر کدام از نمونه‌های زبان تمثیلی، یک بافت مؤثر در معنای تحت‌اللفظی آن عبارت و یک بافت مؤثر در معنای تمثیلی همان عبارت به وجود آوردند. نرم‌افزار مورد استفاده، توانایی اندازه‌گیری و ضبط زمان با دقت بیش از هزارم ثانیه را داشت. یافته‌ها: از نتایج می‌توان چنین استنباط کرد که نمونه‌های استعاره، فرضیه برجستگی تدریجی را به صورت تمام و کمال تأیید نکردند. بنابراین فرضیه‌های اصلی تحقیق، کاملاً تأیید نشدند و به نظر می‌رسید بر خلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی، بافت در بسیاری از موارد در درک بر معنای برجسته پیشی می‌گیرد و تأثیر موازی یکدیگر ندارند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، زبان تمثیلی، فرضیه برجستگی تدریجی، استعاره.

leilaerfaniyan@yahoo.com

^۱. رایانامه نویسنده مسئول:

^۲. Graded Salience Hypothesis

۱- مقدمه

معمولاً این‌طور به نظر می‌رسد که دنیا جای بهتری بود اگر مردم چیزی را می‌گفتند که مورد نظرشان بود. بیشتر معنایی که مردم قصد دارند در هنگام صحبت منتقل کنند، فراتر از معنای واژه‌هایی است که بیان می‌کنند. نمونه این پدیده در استفاده از زبان غیرلفظی یا تمثیلی دیده می‌شود. هر نظریه همگانی زبان باید قادر باشد به این امر پردازد که چرا سخنگویان چیزی می‌گویند که منظور را منتقل نمی‌کند و اینکه چگونه شنوندگان منظور گفتار آنان را متوجه می‌شوند. در مورد زبان تمثیلی، افرادی مانند فودور (۱۹۸۳) بر این اعتقادند که برای درک معنای آن، ابتدا ذهن به معنای تحت‌اللفظی^۱ دست می‌یابد و اگر این معنا، معنای مورد نظر نبود، معنای تمثیلی^۲ بررسی می‌شود (نظریه بخش بخش^۳ و ...). برخی دیگر مانند بیتز (۱۹۹۹)، بیتز و همکاران (۱۹۸۹)، مک وینی (۱۹۸۷) معتقدند از همان ابتدا به دلیل تأثیر بافت، ذهن به معنای تمثیلی دست می‌یابد (نظریه دسترسی مستقیم^۴ و مشابه آن). عده‌ای دیگر مانند گیورا (۱۹۹۷) معتقدند ابتدا معنایی فعال می‌شود که آشناتر، پربسامدتر، متداول‌تر یا نمونه اولیه‌تر است (فرضیه برجستگی تدریجی). از جمله تحقیق‌هایی که در این زمینه کمتر به چشم می‌خورد، پژوهشی جامع است که این فرایند را بررسی کند و میزان تأثیر عوامل دخیل در درک و رسیدن به معنا را به آزمون گذارد تا نسبت سهم هر یک از این عناصر در رساندن شنونده به معنا روشن شود. این که ذهن چگونه چیزی را درک می‌کند که نشنیده است، یا خلاف چیزی است که شنیده است بسیار جالب و بررسی آن می‌تواند بسیار راهگشا باشد. یکی از فرضیات در مورد درک زبان تمثیلی، فرضیه‌ای است که توسط گیورا (۱۹۹۷) مطرح شده است و در ادامه به تفصیل معرفی خواهد شد. در این تحقیق قصد داریم به این مسئله پردازیم که آیا الگوی مطرح شده توسط گیورا در نمونه‌های استعاره در زبان فارسی و در بین فارسی‌زبانان مورد بررسی صادق است یا خیر. سؤالاتی که این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای آنهاست از این قرارند:

-
1. literal meaning
 2. figurativemeaning
 3. modular
 4. direct access view

- ۱- آیا عبارتهای استعاری ناآشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند؟
 - ۲- آیا عبارتهای استعاری آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند؟
 - ۳- آیا عبارتهای استعاری بسیار آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند؟
- بر اساس این سوالات، فرضیه‌های تحقیق از این قرارند:
- ۱- عبارتهای استعاری ناآشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.
 - ۲- عبارتهای استعاری آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند.
 - ۳- عبارتهای استعاری بسیار آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، کندتر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.
- هدف از انجام این تحقیق، شناسایی و تبیین رابطه بین ۳ متغیر نوع بافت (تحت‌اللفظی، تمثیلی)، میزان آشنا بودن عبارت (بسیار آشنا، آشنا، ناآشنا) و سرعت خواندن در عبارتهای استعاری است. قلمرو مکانی تحقیق، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی بینالود مشهد و دانشجویهای رشته زبان انگلیسی این مؤسسه با رده سنی بین ۱۸ تا ۳۰ سال هستند. قلمرو زمانی تحقیق، فاصله زمانی ۹۲/۷/۱ تا ۹۲/۱۰/۱ است که تحقیق در مؤسسه مذکور انجام شده است.

۲- پیشینه

گیورا در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۷ فرضیه برجستگی تدریجی را مطرح کرد و از آن پس، توسط خود او بر روی زبان عبری و توسط دیگران، بسیار مورد توجه قرار گرفت. در تحقیقی که گیورا و فین (۱۹۹۹) انجام دادند، فرضیه برجستگی تدریجی در عبارتهای استعاری و اصطلاحی، آزموده شد. در آزمایشی که پکس‌من و همکاران (۲۰۰۰) انجام دادند از ابزار صفحه متحرک خودمهار برای بررسی فرضیه برجستگی تدریجی استفاده شد. دو آزمایش که توسط پلگ، گیورا و فین (۲۰۰۸) انجام شد، فرضیه برجستگی تدریجی را تأیید کرد (گیورا، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳؛ پلگ، گیورا و فین، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴).

در تحقیقاتی که توسط کولسون و کوتاس (۱۹۹۸)، پکس‌من و همکاران (۲۰۰۰)، شوابل و همکاران (۲۰۰۰)، ایوانکو و پکس‌من (۲۰۰۱)، گیورا و همکاران (۲۰۰۷) و گیورا و همکاران (۲۰۱۳) انجام شده است از ابزار صفحه متحرک برای اندازه‌گیری زمان خواندن در عبارت‌های تمثیلی استفاده شده است. بنابر تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نتایج ابزارهای همزمان دقیق، فرضیه برجستگی تدریجی را تأیید می‌کنند (گیورا، ۲۰۰۳: ۸۶).

بر روی زبان فارسی نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. عرفانیان، شریفی و مشکوة‌الدینی (۲۰۱۳) فرضیه نوآوری بهینه را بر روی بیست تبلیغ تلویزیون بررسی کردند. همچنین عرفانیان، شریفی و مشکوة‌الدینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی فرضیه برجستگی تدریجی پرداخته‌اند.

۳- چارچوب نظری تحقیق

در این بخش، در مورد فرضیه برجستگی تدریجی و نظراتی که به موازات آن ایجاد و بیان شد بحث خواهد شد.

۳-۱- فرضیه برجستگی تدریجی

در فرضیه برجستگی تدریجی فرض بر این است که فرایند دسترسی واژگانی، ترتیبی است: در این نظریه معانی برجسته‌تر، معانی تثبیت شده در ذهن هستند که به دلیل متداول بودن^۱ (داسکال، ۱۹۸۷، ۱۹۸۹؛ گیبز، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳؛ اورتونی، ووندروسکا، فاس و جونز، ۱۹۸۵)، بسامد^۲ (هوگابوم و پرفتی، ۱۹۷۵؛ لیو، بیتز، پاول و وولفک، ۱۹۹۷؛ نیل، هیلارد و کوپر، ۱۹۸۸)، آشناتر بودن^۳ (بلاسکو و کنی، ۱۹۹۳؛ جنتنر و ولف، ۱۹۹۷؛ گرنزباچر، ۱۹۸۴؛ هینتزن و کوران، ۱۹۹۴؛ ویلی و رینر، ۲۰۰۰) یا نمونه اولیه بودن^۴ (آرمسترانگ، گلیمن و گلیمن، ۱۹۸۳؛ راش، ۱۹۷۳؛ راش و مرویس، ۱۹۷۵؛ تالمی، ۲۰۰۰) انگیزه‌تر برجسته‌تر هستند و نسبت با برجستگی کمتر

1. conventionality

2. frequency

3. familiarity

4. prototypicality

سریع‌تر در دسترس قرار می‌گیرند و به سطح لازم فعال شدن می‌رسند. بر اساس این فرضیه، به محض مواجه شدن با واژه، این معنای تثبیت شده در ذهن بی‌توجه به اطلاعات بافتی یا نیت نویسنده، در دسترس قرار می‌گیرند. معنای تثبیت نشده در ذهن که برجستگی کمتری دارند نمی‌توانند به سطح لازم فعال شدن برسند و در بافتی که منطبق با معنای برجسته‌تر است مشهود شوند. از سویی، اطلاعات بافتی می‌توانند فوراً بر درک تأثیر بگذارند. بافت خیلی مؤثر در معنای خاص است ممکن است خیلی سریع آن معنا را فعال کند؛ در غیر این صورت، بافت در دسترسی واژگانی نفوذ نمی‌کند. اگرچه بافت قوی نقشی پیش‌بینی‌کننده دارد و می‌تواند به دست آمدن معنایی خاص را سرعت ببخشد، اما نمی‌تواند در هنگام مواجه شدن با محرک واژگانی، فعال شدن معنایی‌ای که نامناسب ولی برجسته هستند را مانع شود.

۳-۲- پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی

فرضیه برجستگی تدریجی این پیش‌بینی‌ها را انجام داده است:

الف- در مرحله اول دسترسی واژگانی^۱

- درک عبارت تمثیلی جدید، شامل فرایندی مرحله‌ای است که در آن، معنای (تحت‌اللفظی) برجسته ابتدا پردازش می‌شود. در عبارت‌های تمثیلی متداول و آشنا که تعبیر تحت‌اللفظی و تمثیلی آنها به یک اندازه برجسته هستند پردازش موازی وجود دارد و هر دو به‌طور هم‌زمان فعال می‌شوند.
- در درک زبان تمثیلی بسیار متداول، معنای برجسته (معنای تمثیلی) مستقیماً در دسترس قرار می‌گیرد.

ب- در مرحله دوم یکپارچه‌سازی^۲

- اگر معنای فعال شده منطبق با بافت باشد، فرایند پایان می‌یابد.
- اگر معنا با بافت منطبق نباشد:

1. lexical Access

2. integration

اگر معنای برجسته در تعبیر نقش داشته باشد یا اگر در تعبیر، مداخله منفی ایجاد نکند برای پردازش بعدی حفظ می‌شود، در غیر این صورت متوقف می‌شود. هرچه معنا برجسته‌تر باشد، متوقف کردن آن سخت‌تر است (گیورا، ۲۰۰۳).

۳-۳- فرضیه نشت^۱

در این فرضیه، اعتقاد بر این است که اشکال در پردازش عبارت هدف، در واژه‌هایی که بعد از آن عبارت می‌آیند نیز به چشم می‌خورد و تأثیر آن حفظ می‌شود (پکس‌من، فرتی و کتز، ۲۰۰۰)؛ در پی چنین فرضیه‌ای، در نظریه کاربردشناسی معیار و برجستگی بیان شده است که زمان خواندن عبارت هدف، در فاصله بعد از عبارت و در اولین واژه جمله بعد نیز ملموس است (گیورا، ۲۰۰۳: ۸۳).

۳-۴- استعاره^۲

در استعاره، تمامی اجزاء یک جمله تشبیهی جز مشبه‌به حذف شده است و تنها جزء به کار گرفته شده، مشبه‌به است. بنابراین استعاره عالی‌ترین نوع تشبیه به حساب می‌آید چون از بین ارکان تشبیه، فقط مشبه‌به به کار می‌رود (گندمکار، ۱۳۹۱)؛ مانند جمله «تو شماره نی قلیون را داری؟» که در این جمله، تمامی اجزاء یک جمله تشبیهی جز مشبه‌به حذف شده است.

۳-۵- ابزار صفحه متحرک خودمهار^۳

صفحه‌های متحرک روشی است که می‌تواند جایگاه‌هایی را تشخیص دهد که هنگام پردازش کل پیام، برای خواننده مشکل‌تر و یا راحت‌تر است (گیورا، ۲۰۰۳: ۱۱۲). در این روش، افراد متنی را واژه به واژه می‌خوانند و در ابتدا به نظر می‌رسد هر جمله از خط تیره^۴ تشکیل شده است. وقتی افراد مورد آزمون دکمه‌ای را فشار می‌دهند، اولین واژه جمله آشکار می‌شود و به همین طریق با هر فشار دکمه، واژه جدیدی آشکار

1. spillover hypothesis

2. metaphor

3. self-paced moving windows

4. dash

می‌شود و واژه قبلی به خط تیره تبدیل می‌شود. سرانجام، افراد مورد آزمون می‌توانند طول جمله و طول نسبی واژه‌ها را ببینند اما در هر زمان فقط می‌توانند یک واژه را بخوانند. رایانه، فاصله زمانی بین محو شدن و ظاهر شدن دوباره خط تیره را ضبط می‌کند که این زمان خواندن واژه را می‌رساند. این شیوه، تقلیدی از فرایند طبیعی خواندن است و اجازه محاسبه زمان خواندن هر واژه جمله هدف و واژه‌هایی که به دنبال می‌آیند را می‌دهد (پکسمن و همکاران، ۲۰۰۰).

۴- روش تحقیق

هدف از انجام این تحقیق، سنجش RT (طول مدت خواندن) است و طرح این آزمایش $2 \times 3 \times 3$ است که از ۲ نوع بافت (تحت‌اللفظی، تمثیلی) و ۳ نوع عبارت (بسیار آشنا، آشنا و ناآشنا) و ۳ نوع سرعت خواندن (آهسته، هم‌زمان، سریع) عبارات استعاری تشکیل شده است. بنابراین هدف این است که سرعت خواندن استعاره در بافت‌های مختلف با هم مقایسه شود.

۴-۱- ابزار تحقیق

ابزار مورد استفاده در این تحقیق از این قرارند:

۴-۱-۱- متن‌ها

مواد تحقیق شامل ۸۳ عبارت استعاری به زبان فارسی است که بر پایه تعاریف و معیارهای مطرح شده در بخش‌های پیش، از تحقیقات چاپ شده دیگران در مجلات معتبر استخراج شد که این شیوه، روایی این نمونه‌ها را تأیید می‌کرد.

نمونه‌ای از این عبارت به شرح زیر است:

- از آن زمان، دست روباه مکار بسته شد.

سپس محقق برای هر کدام از نمونه‌ها، یک بافت مؤثر در معنای تحت‌اللفظی آن عبارت و یک بافت مؤثر در معنای تمثیلی همان عبارت به وجود آورد. نمونه بافت عبارت ذکر شده در بالا، به شرح زیر است:

- از آن زمان، دست روباه مکار بسته شد

بافت تحت‌اللفظی: دور تا دور حیاط را زه کشی کردند. علی گفت دست روباه مکار بسته شد.

بافت تمثیلی: دور تا دور کشور را سرباز گذاشتند. علی گفت دست روباه مکار بسته شد. دو فایل ارائه مواد آزمایش تهیه شد به طوری که هر فایل، فقط یک نوع بافت را نمایش می‌داد. یک فایل شامل نمونه‌های مختلف عبارتهای استعاری آشنا و ناآشنا و بسیار آشنا در بافت تحت‌اللفظی بود و یک فایل دیگر، شامل نمونه‌های مختلف عبارتهای استعاری، آشنا و ناآشنا و بسیار آشنا در بافت تمثیلی بود.

۴-۱-۲- نرم افزار

برای انجام این تحقیق از شیوه صفحه‌های متحرک خودمهار استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده، نرم‌افزاری برای انجام آزمایش صفحه متحرک خودمهار و تحت ویندوز بود و برای اندازه‌گیری زمان در این آزمایش استفاده شد. این نرم افزار به زبان برنامه نویسی C# (C- SHARP) و در محیط VISUAL STUDIO آماده شد که توانایی اندازه‌گیری و ضبط زمان با دقت بیش از هزارم ثانیه را داشت.

به دلیل ناسازگاری نرم‌افزارهای متداول با الفبای فارسی، امکان استفاده از نرم‌افزارهای دیگر موجود نبود و صحت محاسبات زمانی این نرم افزار در تحقیقات انجام شده توسط چمبرز و برون (۲۰۰۳) و مک کینی، مک کورماک و ولش بوهمر (۱۹۹۹) به اثبات رسیده است. آنها در تحقیقات خود دقت اندازه‌گیری زمان توسط نرم‌افزارهای تحت ویندوز را تأیید کرده‌اند.

۴-۲- پیش‌آزمون

این تحقیق مشتمل بر ۲ پیش‌آزمون بود.

۴-۲-۱- پیش‌آزمون ۱

در پیش‌آزمون ۱، قبل از ایجاد بافت برای نمونه‌های گردآوری شده عبارتهای استعاری، پیش‌آزمونی برگزار شد تا مشخص شود میزان آشنایی افراد با این نمونه‌ها چقدر است. میزان آشنایی باید روی محوری هفت‌ارزشی از ۱ تا ۷ مشخص می‌شد که از ۱ (کمترین میزان آشنایی) تا ۷ (بیشترین میزان آشنایی) بود. افراد مورد آزمون در این پیش‌آزمون،

۲۰ دانشجوی رشته زبان (۸ مرد و ۱۲ زن، بین سن ۱۸ تا ۲۷ سال) دانشگاه غیرانتفاعی بینالود مشهد بودند که این آزمون به عنوان کار کلاسی آنها بود و برای آنها در قبال انجام آن، نمره در نظر گرفته شده بود.

۴-۲-۲- پیش‌آزمون ۲

در پیش‌آزمون ۲، برای اطمینان از اینکه بافت‌های تحت‌اللفظی و تمثیلی ساخته شده برای نمونه‌های آشنا، بسیار آشنا و ناآشنای استعاره که توسط خود محقق ساخته شده بود، به یک اندازه قوی است، برای هر کدام از بافت‌ها که در آن بافت، عبارت هدف نیز ذکر شده بود، محوری هفت‌ارزشی مشخص شد که در یک سر آن، معنای تحت‌اللفظی عبارت هدف و در سر دیگر، معنای تمثیلی همان عبارت ذکر شده بود. محور به هفت قسمت تقسیم شده بود و از افراد مورد آزمون خواسته شد مشخص کنند معنی هر جمله، به کدام معنی نزدیک‌تر است و این نزدیکی چقدر است. دو کتابچه آماده شد که در یکی از آنها، جملاتی بود که بافت در آن، مؤثر در معنای تحت‌اللفظی بود و در دیگری، جملاتی گذاشته شده بود که در آن، بافت مؤثر در معنای تمثیلی بود. افراد مورد آزمون در این پیش‌آزمون، دو گروه ۲۳ نفره (هر گروه متشکل از ۱۱ مرد و ۱۲ زن، بین سن ۱۸ تا ۲۷ سال) بودند که دانشجویان گروه زبان انگلیسی دانشگاه غیرانتفاعی بینالود مشهد بودند و این پیش‌آزمون به عنوان کار کلاسی آنها بود و برای آنها در قبال انجام آن، نمره در نظر گرفته شده بود. هر کتابچه به یک گروه داده شد و هر گروه، به کتابچه گروه دیگر دسترسی نداشت و هر فرد مورد آزمون فقط یک بافت را برای هر جمله هدف می‌دید. قابل ذکر است افرادی که برای انجام پیش‌آزمون‌ها انتخاب شدند در آزمون اصلی شرکت داده نشدند.

۴-۳- شیوه انجام تحقیق

پس از تجزیه نتایج پیش‌آزمون ۱، عبارت‌ها به ۳ گروه آشنا، بسیار آشنا و ناآشنا تقسیم شدند. بافت‌هایی برای آزمایش اصلی انتخاب شدند که توسط پیش‌آزمون ۲، از نظر قوی بودن، یکسان با برابر خود بوده و این توسط پیش‌آزمون ۲ تأیید شده بود. افراد مورد آزمون در آزمایش اصلی، شامل ۲۰ نفر از دانشجویان رشته زبان دانشگاه غیرانتفاعی بینالود مشهد بودند (۹ مرد و ۱۱ زن بین سن ۱۹ تا ۲۹ سال) که این آزمون به عنوان

کار کلاسی آنها بود و برای آنها در قبال انجام آن، نمره در نظر گرفته شده بود. داده‌های فایل‌های تحقیق بر روی نرم افزار ریخته شد. افراد مورد آزمون در مقابل رایانه‌های شخصی تحت ویندوز ۷ با سرعت پردازش بالا (دارای پردازشگر مرکزی سه هسته‌ای و ۲ گیگابایت حافظه اصلی) قرار گرفتند و نرم‌افزار صفحه متحرک خودمهار در مقابل آنها اجرا شد. تحقیق اصلی در دو مرحله اجرا شد که فاصله زمانی این مراحل، دو ماه بود. در مرحله اول به افراد مورد آزمون، عبارت‌ها در بافت تمثیلی ارائه شد و سرعت خواندن آنها اندازه‌گیری شد. در مرحله دوم، به همان افراد مورد آزمون، عبارت‌ها در بافت تحت‌اللفظی ارائه شد و سرعت خواندن آنها اندازه‌گیری شد. این فاصله زمانی بین دو آزمون به این دلیل بود که خواندن یک عبارت در بافت خاص، کلید برای آن عبارت در بافت دیگر ایجاد نکند. از طرفی لازم بود همان فرد مورد آزمون دوباره در مرحله دوم شرکت کند به این دلیل که قرار بود سرعت خواندن او در بافت تمثیلی با سرعت خواندن همان فرد در بافت تحت‌اللفظی مقایسه شود تا تفاوت‌های فردی در سرعت خواندن، در نتایج خلل وارد نکند. ابتدا روش کار هم توسط آزمونگر برای هر فرد توضیح داده می‌شد هم در صفحه مقدمه برنامه، این توضیحات ذکر شده بود. سپس ۳ جمله به عنوان نمونه برای آنها اجرا می‌شد تا با روند آزمون آشنا شوند. از افراد مورد آزمون خواسته شد با سرعتی بخوانند که روزنامه یا متون عادی را می‌خوانند؛ و گفته شد آزمایش در مورد این است که بررسی شود چقدر خوب افراد می‌توانند با انواع مختلف نقص در هنگام خواندن برخورد کنند و گفته شد زمان خواندن آنها ثبت می‌شود و کار آنها این است که جملات را بخوانند و سعی کنند نمره کاملی در پرسش درک مطلب کسب کنند. سرعت خواندن واژه یا عبارت تمثیلی و دو واژه یا فاصله بعد از آن (تأثیر نشت) اهمیت داشت و ضبط می‌شد (دو واژه‌ای که بعد از واژه یا عبارت هدف آمده بودند، واژه‌هایی خنثی بودند که در هر دو بافت، یکسان بودند). در انتهای هر متن، پرسش درک مطلب «آری/خیر» برای افراد مورد آزمون ارائه شد. این سؤالات با این انگیزه طراحی شده بودند که افراد مورد آزمون را تشویق کنند جملات را بخوانند و درک کنند و آزمونگر متوجه شود آیا فرد در فرایند خواندن، توجه داشته است یا خیر. همچنین سرعت خواندن هر فرد با میانگین خود او مقایسه می‌شد تا پاسخ‌هایی که فاصله زیادی با میانگین داشتند حذف شود. در انتها، زمان خواندن افرادی که پاسخ اشتباه داده بودند یا میانگین سرعت پاسخ غیرطبیعی داشتند از فهرست حذف می‌شد و

افرادی با مشخصات مشابه، جایگزین می‌شد ولی در مرحله دوم آزمون، شرکت‌کننده‌ای که سؤال را اشتباه پاسخ داده بود یا میانگین مطلوبی نداشت حذف می‌شد و شخصی جایگزین او نمی‌شد. جلسه آزمایش برای هر فرد حدود ۱۵ دقیقه طول کشید.

۵- ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در انتها داده‌های هر ۲۰ نفر از افراد مورد آزمون مورد قبول قرار گرفت و وارد مرحله تجزیه و تحلیل شد.

۵-۱- بررسی فرضیه ۱

فرضیه ۱: عبارتهای استعاری ناآشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.

- استعاره ناآشنا - واژه هدف

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی $۶۱۶/۰۳$ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی $۷۸۳/۲۲$ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن بر روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. P -مقدار کمتر از ۰.۰۵ بود. بنابراین فرض نرمال بودن رد می‌شود. برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P -مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

- استعاره ناآشنا - تأثیر نشت

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی $۶۴۹/۳۶۲۴۳۴$ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی $۵۸۱/۱۹$ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تمثیلی بیشتر از بافت تحت‌اللفظی است.

سپس آزمون نرمال بودن بر روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین فرض نرمال بودن رد می‌شود.

برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تحت‌اللفظی سریع‌تر از بافت تمثیلی بوده است.

۲-۵- بررسی فرضیه ۲

فرضیه ۲: عبارتهای استعاری آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تمثیلی و تحت‌اللفظی، با سرعت برابر خوانده می‌شوند.

- استعاره آشنا- واژه هدف

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۶۹۴/۷۵ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۸۲۴/۲۵ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن بر روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین فرض نرمال بودن رد می‌شود. برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

- استعاره آشنا - تأثیر نشت

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی ۶۵۹/۳۹۱۵۳۴ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی ۷۷۲/۳۹۸۱۴۸ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن بر روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو

ویلیک استفاده شد. P - مقدار کمتر از 0.05 است. بنابراین فرض نرمال بودن رد می‌شود. برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از 0.05 است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

۳-۵- بررسی فرضیه ۳

فرضیه ۳: عبارت‌های استعاری بسیار آشنا و دو عبارت بعد از آن، در بافت تحت‌اللفظی، کندتر از بافت تمثیلی خوانده می‌شوند.

- استعاره بسیار آشنا- واژه هدف

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی $877/73$ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی $1137/07$ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن بر روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلیک استفاده شد. P - مقدار کمتر از 0.05 است. بنابراین فرض نرمال بودن رد می‌شود. برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از 0.05 است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

- استعاره بسیار آشنا - تأثیر نشت

میانگین طول مدت خواندن در بافت تمثیلی $610/848765$ و میانگین طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی $773/932099$ است. این نشان می‌دهد طول مدت خواندن در بافت تحت‌اللفظی بیشتر از بافت تمثیلی است. سپس آزمون نرمال بودن بر روی داده‌ها انجام شد. از آزمون نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویلیک استفاده شد. P - مقدار کمتر از 0.05 است. بنابراین فرض نرمال بودن رد می‌شود. برای بررسی داده‌ها از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شد. P - مقدار کمتر از

۰.۰۵ است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین زمان خواندن عبارت در دو بافت، تفاوت معنادار وجود دارد. با بررسی میانگین متوجه می‌شویم که خواندن عبارت در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پس از بررسی داده‌ها نتایجی حاصل شد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: خلاصه نتایج تحقیق

ناآشنا		آشنا		بسیار آشنا		استعاره
تأثیر نشت	واژه هدف	تأثیر نشت	واژه هدف	تأثیر نشت	واژه هدف	
خواندن در بافت تحت-تمثیلی،	خواندن در بافت تمثیلی، سریع‌تر	خواندن در بافت تمثیلی،	خواندن در بافت تمثیلی، سریع‌تر	خواندن در بافت تمثیلی، سریع‌تر	خواندن در بافت تمثیلی،	
بافت تحت-اللفظی،	از بافت تحت-اللفظی	سریع‌تر از بافت تحت-اللفظی	از بافت تحت-اللفظی	بافت تحت‌اللفظی	سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی	
بافت تمثیلی	-رد فرضیه	بافت تمثیلی	-رد فرضیه	-تأیید فرضیه	-تأیید فرضیه	
-تأیید فرضیه		-رد فرضیه				

- پاسخ به سؤال ۱: عبارت‌های استعاری ناآشنا در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی خوانده شدند که این خلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی بود. همچنین این خلاف یافته‌های تحقیق گیورا و فین (۱۹۹۹)، پکس‌من و همکاران (۲۰۰۰) و گنتنر و وولف (۱۹۹۷) است که در آن، عبارت‌های استعاری ناآشنا در بافت تمثیلی آهسته‌تر از بافت تحت‌اللفظی خوانده شده بود. ولی دو عبارت بعدی آنها، در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده شد که این مطابق پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی و مطابق یافته‌های تحقیق پلگ و همکاران (۲۰۰۸) است.

- پاسخ به سؤال ۲: عبارت‌های استعاری آشنا و دو عبارت بعدی آنها، در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی خوانده شدند که این خلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی بود.

- پاسخ به سؤال ۳: عبارت‌های استعاری بسیار آشنا و دو عبارت بعدی آنها، در بافت تحت‌اللفظی، کندتر از بافت تمثیلی خوانده شدند که این مطابق پیش‌بینی‌های فرضیه

برجستگی تدریجی بود که این نتیجه با نتیجه تحقیق کیسر و همکاران (۲۰۰۰) مطابقت داشت.

طبق نتایج به دست آمده، تمام نمونه‌های استعاره بسیار آشنا (چه واژه‌های هدف چه تأثیر نشت) پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی را تأیید کردند و خواندن این عبارت‌ها در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی اتفاق افتاده است. در نمونه‌های استعاره آشنا، سرعت خواندن چه در واژه هدف و چه در واژه‌های بعد از آن (تأثیر نشت)، در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است که این نتیجه، برخلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی و تأییدی بر پیش‌بینی‌های نظریه دسترسی مستقیم می‌تواند باشد. این نتیجه می‌تواند نشانگر این حقیقت باشد که تنها معنای برجسته استعاره آشنا، معنای تمثیلی آن است و یا می‌تواند به این دلیل باشد که بافت، از همان ابتدا به بازشناسی واژه کمک کرده است و باعث شده است سرعت خواندن در بافت تمثیلی، سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی باشد. در نمونه‌های استعاره ناآشنا، سرعت خواندن واژه هدف ناآشنا در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بود که این برخلاف پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی و مطابق با پیش‌بینی‌های نظریه دسترسی مستقیم بود. اما در دو واژه بعد از عبارت هدف (تأثیر نشت)، زمان خواندن واژه‌های بعد از استعاره ناآشنا، در بافت تحت‌اللفظی سریع‌تر از بافت تمثیلی بود که این یافته، مطابق با پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی است. شاید دلیل اینکه سرعت خواندن عبارت هدف در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است این باشد که ابتدا به دلیل تأثیر بافت، معنای تمثیلی فعال شده است اما با پیش رفتن در جمله، معنای برجسته تحت‌اللفظی فعال شده است و این باعث سریع‌تر خواندن در بافت تحت‌اللفظی نسبت به بافت تمثیلی شده است؛ شاید دلیل دیگر این باشد که معنای تمثیلی معنای برجسته بوده است اما با گذشت زمان، معنای تحت‌اللفظی فعال شده است. در استعاره‌های مورد بررسی، در همه موقعیت‌ها سرعت خواندن عبارت تمثیلی در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بود (عبارت هدف و نشت) جز در دو واژه بعد از عبارت‌های تمثیلی ناآشنا (تأثیر نشت) که در آن، عبارت در بافت تحت‌اللفظی، سریع‌تر از بافت تمثیلی خوانده شده بود و این مطابق با پیش‌بینی‌های فرضیه برجستگی تدریجی بود. از آنچه بیان شد شاید بتوان ادعا کرد نتایج این تحقیق، بیشتر تأییدی بر نظریه دسترسی مستقیم بود تا بر فرضیه برجستگی تدریجی؛ و فرضیه برجستگی

تدریجی به صورت تمام و کمال تأیید نشد. شاید یکی از دلایل رد شدن فرضیه‌های تحقیق این است که آنچه در فرضیه برجستگی به عنوان معنای برجسته مطرح شده است با معنای برجسته بین آزمون‌شوندگان این تحقیق متفاوت است. به نظر می‌رسد نتیجه را به این صورت بتوان توجیه کرد که باید تعریف برجستگی مطرح شده توسط گیورا را یک درجه تعدیل کرد. علاوه بر عبارت‌های تمثیلی بسیار آشنا که معنای برجسته در آن معنای تمثیلی است، ظاهراً در عبارت‌های تمثیلی آشنا نیز معنای برجسته اغلب معنای تمثیلی است (نه معنای تمثیلی و تحت‌اللفظی آن‌گونه که ادعای فرضیه برجستگی تدریجی است). اما به نظر می‌رسد معنای برجسته در عبارت‌های استعاری ناآشنا، معنای تحت‌اللفظی نیست (آن‌گونه که ادعای فرضیه برجستگی تدریجی است) بلکه معنای تمثیلی است اما تاثیر نشت و فعال شدن معنای تحت‌اللفظی در فاصله بعد از واژه هدف، این احتمال را به چالش می‌کشد. بنابراین می‌توان چنین الگویی را مجسم کرد که در آن، معنای برجسته عبارت‌های تمثیلی بسیار آشنا و آشنا و ناآشنا جز تاثیر نشت، معنای تمثیلی است. شاید دلیل این رفتار، حضور بافت باشد که به دلیل حضور بافت، معنای تحت‌اللفظی عبارت تمثیلی معمولاً نمی‌تواند معنای برجسته باشد. بنابراین بیشتر پاسخ‌ها در دسته آشنا و بسیار آشنا همگن به نظر می‌رسید به این معنا که تقریباً در تمامی عبارت‌های تمثیلی بسیار آشنا و آشنا، سرعت خواندن در بافت تمثیلی سریع‌تر از بافت تحت‌اللفظی بوده است که این نشان می‌دهد می‌توان عبارت‌های تمثیلی را به دو دسته آشنا و ناآشنا تقسیم کرد. همچنین این نتیجه ممکن است به دلیل تفاوت عبارت‌های تمثیلی بین زبان فارسی و زبان انگلیسی و عبری باشد. دلیل دیگر می‌تواند عدم صداقت و صحت افراد مورد آزمون، به رغم تمام کنترل‌هایی باشد که پیش‌بینی شده و اجرا شده بود. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که شاید آن‌طور که در نظریه برجستگی تدریجی مطرح شده است، فعال شدن معنای برجسته و به میان آمدن بافت، فرایندی موازی یکدیگر نیست و شاید آن‌طور که در نظریه دسترسی مستقیم بیان شده است، بافت تأثیر ابتدایی دارد و از همان ابتدا، در دسترسی واژگانی تأثیر می‌گذارد. ممکن است فرایند درک، فرایندی موازی نباشد و بیشتر به صورت زنجیره‌ای باشد به این معنا که در این زنجیره، بافت جایگاه پیش‌تری از معنای برجسته و عوامل مرتبط با آن دارد. هرچند فرضیه دسترسی مستقیم نیز با یافته‌های این تحقیق کاملاً تأیید نشد و نقض آن در مواردی به چشم خورد. بنابراین

می‌توان پیشنهاد کرد که در درک معنا، باید به بافت و نقش برجستگی معنای بهای بیشتری داد و تأکید بیشتری داشت. همچنین بر اساس نتایج می‌توان پیشنهاد کرد بهتر است در تعریف برجستگی تعدیل ایجاد شود و به جای دسته‌بندی عبارات‌های تمثیلی به سه دسته بسیار آشنا، آشنا و ناآشنا، بهتر است به دو دسته آشنا و ناآشنا تقسیم شوند یا این‌که می‌توان عبارات‌های تمثیلی را به چهار دسته بسیار آشنا، آشنا، کمتر ناآشنا و ناآشنا تقسیم کرد به این دلیل که شاید دلیل حاصل شدن نتیجه مذکور این باشد که شرکت‌کنندگان با نمونه‌های آشنا همانند نمونه‌های بسیار آشنا رفتار کرده‌اند و وارد کردن نمونه چهارمی به نام نمونه‌های کمتر ناآشنا شاید بتواند چنین نتیجه‌ای را تعدیل کند. بر اساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود برای رفع ابهامات در برقراری ارتباط بیشتر به بافت و نقش برجستگی معنا تکیه شود و بر اساس آن، بسیاری از ابهامات در برقراری ارتباط می‌تواند رفع شود. همچنین می‌توان پیشنهاد کرد که برای درک عبارت-های مبهم و تمثیلی باید از بافت کمک بیشتری گرفت و نقش آن را پررنگ‌تر و برجسته کرد و به برجستگی معنای عبارت‌ها نیز بها داد.

منابع

- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و لیلا عرفانیان قونسولی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نحو و معناشناسی، در: زهرا بهرامیان (ویراستار)، *پرنیان سخن، مقالات پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی* (۵۸۳-۵۶۶)، سبزوار: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- عرفانیان قونسولی، لیلا، شهلا شریفی و مهدی مشکوة‌الدینی (۱۳۹۳). چگونگی درک کنایه بر اساس فرضیه شناخت‌بنیاد برجستگی تدریجی، در: شهلا رقیب دوست و فرشته مؤمنی (ویراستار)، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی عصب-روانشناسی زبان* (۱۲۵-۱۰۷)، تهران: نشر نویسه پارسی.
- گندمکار، راحله (۱۳۹۱). نگاهی تازه به چگونگی درک استعاره در زبان فارسی. *ادب پژوهی*، ۱۹، ۱۵۱-۱۶۷.
- Armstrong, S., L. Gleitman, and H. Gleitman. 1983. What some concepts might not be. *Cognition*, 13, 263-308.
- Bates, E. and B. MacWhinney. 1989. Functionalism and the competition model. In B. MacWhinney and E. Bates (Eds.), *The crosslinguistic study of language processing*, (pp.3-73). Cambridge: Cambridge University Press.
- Bates, E. 1999. On the nature and Nurture of Language. In E. Bizzi, P. Calissano and V. Volterra (Eds.), *Frontiers of biology: the brain of homo*

- sapiens*, (pp.241–265). Rome: Istituto della Enciclopedia Italiana fondata da Giovanni Treccani.
- Blasko, G. D. and C. Connine. 1993. Effects of familiarity and aptness on metaphor processing. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 19, 295–308.
- Chambers, C. D. and M. Brown. 2003. Timing accuracy under microsoft windows revealed through external chronometry. *Behavior Research Methods, Instruments, Computers*, 35 (1), 96-108.
- Coulson, S. and M. Kutas. 1998. Frame-shifting and sentential integration, technical report. *CogSci*, 98.03.
- Dascal, M. 1987. Defining literal meaning. *Cognitive Science*, 11, 259–281.
- Dascal, M. 1989. On the role of context and literal meaning in understanding. *Cognitive Science*, 13, 253–257.
- Erfaniyan Qonsuli, L., S. Sharifi and M. Meshkatod Dini. 2013. A survey on optimal innovation and salience hypothesis in the Persian advertisement. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 3(12), 342-353.
- Fodor, J. 1983. *The modularity of mind*, Cambridge: MIT Press.
- Forster, K.I. 1976. Accessing the mental lexicon. In R.J. Wales and E.C.T. Walker(Eds.), *New approaches to language mechanisms*(257-287). Amsterdam: North Holland.
- Forster, K.I. 1979, «Levels of processing and the structure of the language processor», In: W.E. Cooper, E.C.T. Walker(Eds.), *Sentence processing: psycholinguistic studies presented to merrill garrett*, 27-85, Lawrence Erlbaum Associate Inc: Hillsdale, NJ.
- Gentner, D. and P. Wolff. 1997. Alignment in the processing of metaphor. *Journal of Memory and Language*, 37, 331–355.
- Gernsbacher, M. A. 1984. Resolving twenty years of inconsistent interactions between lexical familiarity and orthography, concreteness, and polysemy. *Journal of Experimental Psychology: General*, 113, 256–281.
- Gibbs, R.W. Jr. 1980. Spilling the beans on understanding and memory for idioms in conversation. *Memory and Cognition*, 8, 449–456.
- Gibbs, R. W. Jr. 1982. A critical examination of the contribution of literal meaning to understanding nonliteral discourse. *Text*, 2, 9–27.
- Gibbs, R. W. Jr. 1983. Do people always process the literal meanings of indirect requests?. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 9, 524–533.
- Giora, R. 1997. Understanding figurative and literal language: the graded salience hypothesis. *Cognitive Linguistics*, 8(3), 183-206.
- Giora, R. 1998. When is relevance? on the role of salience in utterance interpretation. *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*, 11, 85–94.

- Giora, R. 1999. On the priority of salient meanings: studies of literal and figurative language. *Journal of pragmatics*, 31, 919-929.
- Giora, R. and O. Fein. 1999. On understanding familiar and less familiar figurative language. *Journal of pragmatics*, 31, 1601-1618.
- Giora, R. 2003. *On our mind: salience, context, and figurative language*. Oxford University Press.
- Giora, R., O. Fein, D. Laadan, J. Wolfson, M. Zeituny, R. Kidron, R. Kaufman and R. Shaham. 2007a. Expecting irony: context versus salience-based effects. *Metaphor and Symbol*, 22 (2) , 119–146.
- Giora, R., E. Livnat, O. Fein, A. Barnea, R. Zeiman and I. Berger. 2013. Negation generates nonliteral interpretations by default. *Metaphor and Symbol*, 28: 89–115.
- Hintzman, D. L. and T. Curran. 1994. Retrieval dynamics of recognition and frequency judgements: evidence for separate processes of familiarity and recall. *Journal of Memory and Language*, 33, 1–18.
- Hogaboam, T. W. and C.A. Perfetti. 1975. Lexical ambiguity and sentence comprehension. *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*, 14, 265–274.
- Ivanko, S. and P.M. Pexman. 2001. Understanding irony: on-line processing of figurative and literal meaning. Poster presented at the Eleventh Annual Meeting of the Society for Text and Discourse. University of California: Santa Barbara.
- Keysar, B., Y. Shen, S. Glucksberg and W.S. Horton. 2000. Conventional language: how metaphorical is it?. *Journal of Memory and Language*, 43, 576–593.
- Liu, H., E. Bates, T. Powell and B. Wulfeck. 1997. Single-word shadowing and the study of lexical access. *Applied Psycholinguistics*, 18, 157–180.
- MacWhinney, B. 1987. The competition model. In B. MacWhinney (Ed.), *Mechanisms of language acquisition*(249–308). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- McKinney, C. J., E.R. MacCormac and K.A. Welsh-Bohmer. 1999. Hardware and software for tachistoscropy: how to make accurate measurements on any PC utilizing the microsoft windows operating system. *Behavior Research Methods, Instruments, and Computers*, 31, 129-136.
- Neill, W. T., D.V. Hilliard and E. Cooper. 1988 .The detection of lexical ambiguity: evidence for context-sensitive parallel access. *Journal of Memory and Language*, 27, 279–287.
- Ortony, A., R.J. Vondruska, M.A. Fossand L.E. Jones. 1985. Salience, similes, and asymmetry of similarity. *Journal of Memory and Language*, 24, 569–594.

- Peleg, O., R. Giora and O. Fein. 2001. Salience and context effects: two are better than one. *Metaphor and Symbol*, 16, 173–192.
- Peleg, O., R. Giora and O. Fein. 2004. Contextual strength: the whens and hows of context effects. In I. Noveck and D. Sperber (Eds.), *Experimental pragmatics* (172–186). Basingstoke: Palgrave.
- Peleg, O., R. Giora and O. Fein. 2008. Resisting contextual information: you can't put a salient meaning down. *Lodz Papers in Pragmatics*, 4.1, Special Issue on Humour: 13–44.
- Pexman P. M., T. Ferretti and A. Katz. 2000. Discourse factors that influence irony detection during on-line reading. *Discourse Processes*, 29, 201–222.
- Rosch, E. H. 1973. On the internal structure of perceptual and semantic categories. In T. E. Moore (Ed.), *Cognitive development and the acquisition of language* (111–144). New York: Academic Press.
- Rosch, E.H. and C.B.Mervis. 1975. Family resemblance: studies in the internal structure of categories. *Cognitive Psychology*, 8, 382–439.
- Schwoebel, J., S. Dews, E. Winner and K. Srinivas. 2000. Obligatory processing of the literal meaning of ironic utterances: further evidence. *Metaphor and Symbol*, 15, 47–61.
- Talmy, L. 2000. *Toward a cognitive semantics, typology and process in concept structuring*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Wiley, J. and K. Rayner. 2000. Effects of titles on the processing of text and lexically ambiguous words: evidence from eye movements. *Memory and Cognition*, 28, 1011–1021.
- Zajonc, R. B. 2000. Closing the debate over the independence of affect. In J. P. Forgas (Ed.), *Feeling and thinking: the role of affect in social cognition* (31–58). Cambridge: Cambridge University Press.